



۲۰۱۹/۰۶/۱۲

ملالی موسی نظام

طالبان، خلیزاد و امکانات صلح در افغانستان

معضله سردرگم امکانات و شرائط صلح در افغانستان و موافقت با طالبان برای آتش بس و ایجاد امنیت، سوالات و تشویش های زیادی را در جامعه افغانی و مردم آن در خارج و داخل مملکت شان بوجود آورده است. بعد از شکست طالبان ذریعه قوای بین المللی و مخصوصاً امریکا، جهان و ملت افغان گمان میبردند که مملکت بعد از تحمل کودتای منحوس ثور و عواقب نافرجام آن و تجاوز ددمنشانه شوروی بر ملت مظلوم افغانستان، هجوم، کشتار و ویرانی فجیع تنظیم های خونخوار جهادی و بالاخره تصرف سرتاسری سرزمین ما ذریعه طالبان عهد حجر، روزنه ای از صلح و صفا و امنیت به روی مظلوم ترین ملت جهان باز می گردد. ولی نشد که نشد.

در سال ۲۰۰۱ م طالبان در اثر هجوم قوای خارجی ظاهراً شکست خوردند و قسماً تار و مار شدند، جمعی به پاکستان، سرزمین هادی و تمویل کننده و رهنمای شان جذب شدند و جمعی هم مؤقتاً به نحوی لباس صلح و سلم برتن نموده و به اطراف افغانستان متمکن گردیدند. البته آنده ای که جزء گروپ القاعده، بن لادن و جنگجویان خارجی متفرقه بودند هم به طرقی ناپدید گردیدند.

با باز شدن دروازه های افغانستان بروی جهان، خوشبینی و خوشباوری مردم جنگ دیده و محنت کشیده کشور برای صلح و آبادانی از یکطرف و باور جامعه بین المللی و تمویل برای امنیت و امکانات اعمار مجدد از جانب دیگر بوجود آمد؛ ولی متأسفانه ای بسی آرزو که خاک شده، این امیدواری ها را اشتباهات و کجروی های قشر داخلی و خارجی از بین برد که به مختصری در زمینه اکتفاء مینماییم:

قبل ازینکه امریکا در سال ۲۰۰۴ بیجهت و با تصفیه حساب شخصی جارج بوش، به عراق، یک مملکت آزاد، آباد و خودکفای شرق میانه که در آن اثری از تروریست و القاعده موجود نبود، حمله ببرد، در افغانستان دو اشنباه بزرگ رخ داد، یکی توقف جمع آوری اسلحه از سرتاسر مملکت که پلان اول، مهم و حتمی تلقی شده بود که در آن تنظیم هایی که درین زمینه فعال و زینفع بودند مثل نسیم فهیم و عطاء نور ممانعت جدی به عمل آوردند؛ دوم آغاز حیف و میل کمک های سیل آسای جامعه جهانی برای اعمار مجدد و انکشافات اقتصادی. اثرات منفی این دو جریان واقعاً که قدم های بعدی اعمار و تحولات مثبت اقتصادی و امنیتی را تخریب نمود.

تصمیم گیری حامد کرزی در مورد بازار آزاد، هم یکی از اشتباهات متعدد نامبرده درین عصر بود که هجوم امتعه بی کیفیت همسایگان طماع را در افغانستان سبب گردید. این عمل غیر ملی و غیر اقتصادی در شرائط

جدید کشور به منزله خودکشی ای بود که در حله اول شرائط استخدام و جذب کارگر را به تولیدات احتمالی داخلی فلج نموده خود کفایی را خنثی نمود و چانس طلایی را بیشتر به پاکستان و ایران بخشید!

از جانب دیگر با توجه امریکا و ناتو به جانب جنگ با عراق، تشکیلات طالبان را به تدریج و به کمک پاکستان و ترویج هرچه بیشتر مدرسه های به ظاهر دینی «!؟» ولی تربیت طالب جنگجو و انتحاری و پشتیبانی دستگاه جاسوسی آنکشور از آنان، رونق دوباره بخشید. درین شرائط از کمک های ملیارد دلاری ای که برای مبارزه با تروریسم پاکستان غدار از امریکا دریافت میکرد، آی اس آی جانین طالب را بیشتر تمویل و تقویه نموده و به تدریج به جانب افغانستان و کشتار مردم بیگناه آن ارسال مینمود. درین مورد سهم خانانۀ ایران و نزدیکی خاص حامد کرزی را به اولیای آخوندی غدار آن نباید نادیده گرفت. ایران هم تا حد زیادی در تمویل و تربیت طالبان رول داشته است و مین و اسلحه هم به دسترس آنان برای تخریب جامعه افغانی میگذارد.

از جانب دیگر، در افغانستان سر سر پلوان رفتن حامد کرزی و زد و بند های غیر ملی و بیکیفیتی وی با مجرمین جنگ های افغانستان و آنائیکه در مؤسسات خیریه بینالمللی منحصیث جنایتکاران مستند و مستدل در معضله افغانستان ثبت گردیده بودند، نا امیدی و حالات غیر منتظره ای را در اجتماع افغانی بوجود آورد، طوریکه نصب اولیای امور تنظیم های جنگ های داخلی به مناصب بلند اداری و راه دادن در پارلمان و اعتماد نامبرده به جانین خلق و پرچم، امیدواری ملت مظلوم و جنگیده افغان را به خاک برابر نمود؛ مخصوصاً که عدم وجود عدالت انتقالی و بازخواست جنایتکاران شناخته شده چیزی نبود که مردم یک جامعه آنرا به سادگی متحمل گردند.

حیف و میل دارایی های عامه و ملیارد ها دالر کمک های جهانی به صورت سرسام آوری پروژه های اقتصادی زیربنایی و تشکیلات بند و انهار و سیستم برق را که دریا های افغانستان بسیار برای آنان مساعد بودند، به عقب انداخت و حتی مملکت را بعد از گذشت یکونیم دهه هنوز هم محتاج برق وارداتی از همسایگان نمود.

بعد از بیشتر از ۱۷ سال در حالیکه بیشمار ولسوالی ها و گوشه و کنار مملکت در اثر حملات ددمنشانه آنان تحت تسلط آن گروه افراط گرا قرار دارد، بقیه اطراف و اکناف افغانستان منجمله شهر کابل، متصل مورد حملات انتحاری، کشتار قوای پلیس و اردوی ملی و البته که عابرین و غیر نظامیان مظلوم هم به کشتار و خون و آتش غیر مترقبه و جنگ یک جانبه گرفتار استند.

با قدرتمندی شخصیت متزلزلی چون دونالد ترامپ در سیاست جهانی، مشکل است که پلان های ناتو و امریکا را در راه کمک نظامی برای امحای قدرت تروریسم در افغانستان ارزیابی و اطمینان نمود. یکرز اعلام میگرد که عسکر خارجی باید افغانستان را ترک گوید چون جنگ مغلوبه به درازا کشیده و نتیجه ای متصور نیست، روز دیگر ابراز میگرد که اگر تسلط تروریستان مختلفه به شمول داعش بر افغانستان افزون گردد، امنیت منطقه و حتی جهان غرب به خطر حتمی مواجه میگرد.

حال میرویم به هایت و هویتی که مذاکرات صلح «!؟» با طالبان و امکانات احتمالی صلح ناپیدا در افغانستان جنگ زده بوجود آورده است. زلمی خلیلزاد که سوابق فعالیت و نقشه های وی برای انتظام یک جامعه افغانی روبه انکشاف اجتماعی و اقتصادی و حمایت از جنایتکاران و مجرمین جنگی، چیزی نیست که مردم افغانستان آنرا از یاد ببرند، باز در صحنه بازی با مقدرات ملت بینوای افغان ظاهر گردیده است.

درین ماجراء گویا طالبان که در دوحه پایتخت قطر مهمانسرا بدست آورده اند، در حالیکه دولت افغانستان و اولیای امور آنرا غیر قانونی «؟!» دانسته و از یکطرف از حضور قوای مسلح ناتو و امریکا در کشور ما شاکی اند و از جانب دیگر با امر این قواء باب مذاکرات «دوستانه» را برای بوجود آمدن یک صلح احتمالی و فرمایشی باز نموده مشغول چانه زنی اند. با حوادث و تغییراتی که در روابط ملل و دول در عرصه تاریخ مواجه میگردیم، گمان نمی رود که حالات و نشانه های این مذاکرات مسخره در هیچ سرزمین و عصری رونما گردیده باشد. آیا فیصله جات و توافقاتی که احیاناً بین نماینده خاص دولت امریکا و یک گروه بخصوص طالبان در مورد مقدرات افغانستان بوجود بیاید، از نظر موافقت و مخالفت مردم این کشور و دولت قانونی آن، از نگاه حقوقی چه شکلی را میتواند بگیرد؟ به وضاحت مشاهده میگردد که از آغاز مذاکرات نام نهاد صلح بین امریکا و طالبان، تعداد حملات خونین و آتش زای این گروه از انسانیت و اسلامیت بیخبر بر مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان در هر گوشه ای از سرزمین شان شدت اختیار نموده است بنابر آن آیا آمادگی و امیدی که این مذاکرات باید در اذهان ملت جنگزده کشور تولید نماید، امکانات مختصری از باورمندی را میتواند بین آنانی که هر روز عزیز غرقه به خونی را به خاک میسپارند، بوجود بیاورد؟! هرگز که نمی آورد.

بعد از هفت دور جلسات چندین روزه هیئت امریکایی به سرکردگی خلیل زاد و گروه طالبان در قطر و مسافرت های بی نتیجه خلیل زاد به کشور های گوناگون و حتی روسیه «؟!»، عجلتاً بر دو موضوع روشنی اندازی گردیده است، یکی اخراج هرچه زود تر قوای امریکا و ناتو از افغانستان و دیگری تضمین امنیت سرتاسری افغانستان، طوری که هیچ گروه مسلح تروریست در افغانستان فعالیت نداشته و از آنجا به خرابکاری و فعالیت های تروریستی به غرب و امریکا نپردازند؛ یعنی این گروه طالبان ضمانت می نمایند. یا الله! سالی که خوش آید بهارش پیداست. طالبان خوب میدانند که با کشتاری که در قسمت جوانان بیگناه قوای پلیس و اردوی افغانستان هر روز روا میدارند، بعد از اخراج قوای بین المللی، نه تنها یورش و حملات شان بیشتر و آسانتر میگردد، بلکه روحیه قوای مسلح دولت افغانستان را هم به شکست مواجه مینمایند؛ حتی این ها مانند عصر ربانی و مسعود که به امر جنرال حمید گل پاکستانی، اردوی کشور را منحل نمودند؛ مایل به نابودی عسکر و پلیس اند که شرافتمندانه از تمامیت ارضی افغانستان حمایت مینمایند. خواب های خوش و مزورانه پاکستان غدار!!

در مورد تضمین امنیت و شکست گروپ های مسلح تروریستی دیگر که تا ۲۱ گروه مختلفه راپور داده شده است، اگر واقعاً این تشکیل خاص طالبان سهمگیری در مقدرات مردم افغانستان را از راه صلح و سلم و تشکیل یک جامعه اسلامی مترقی آرزومند بوده و در پلان دارند، پس چرا تا به حال امکانات رشد و تخریب را به گروه های دیگر و جنایتکاران داعش هم داده اند؟! درین زمینه باید گفت که چنین وعده ایرا هرگز نمیتوان که در امکان آورد و معلوم نیست که خلیل زاد چگونه بر همچو ادعای نهایت احمقانه و نا ممکنی میتواند دقیقه ای را تلف نماید. در مورد چنین فریبکاری طفلانه باید گفت که، ایرانی ها هر وقت مورد تحقیق از جانبی قرار گیرند، میگویند «خر خودتی» یعنی خودت هستی.

امروز طالبان گوناگون که آب دست آی اس آی را نوشیده و در مدارس پاکستان نان و نمک خورده اند، در آن سرزمین غداران هم دست به حملات و کشتار های تروریستی میزنند و جلوشان را نمیتوان گرفت، پس این یک

گروه طالب چگونه افغانستان کوهستانی و غیر کنترل را از شر تشکیلات متفرقه جنایت کار و تروریست «نجات» می بخشد؟ البته که نه میتواند و نه می نماید!

حال این صلح احتمالی را که جناب خلیل زاد برای تعمیم آن چون بازیگر قهاری ازین کشور به آن مملکت بیهوده پر میکشد و در غیاب اولیای امور افغانستان و یا نمایندگان آن مذاکرات بی ارزشی صورت میگیرد، چگونه و با کدام امکانات میخواهد با طالبان کنار آید؟ مثلاً در حالیکه صد ها مکتب دختران از جانب این ددمنشان مسدود یا حریق گردیده، حقوق تحصیل، کار و آزادی زنان را کی ضمانت مینماید؟ این درحالیست که عقیده و باور هر گروهی از طالب و تروریست فعال در افغانستان در مورد حد اقل حق و آزادی قانونی زنان و دختران غیر قابل تغییر است.

از جانب دیگر، دسته های بی صلاحیتی چون رئیس جمهور سابق حامد کرزی، والی مخلوع و ملیاردر مزار شریف معلم عطاء نور، تعدادی از بقایای تنظیم های جهادی و امثال آنها بی جهت و صرف برای نمایش واهی، هنر نمایی و خود بزرگ بینی، سوار طیاره شده و به مسکو میروند که با طالبان گویا در مورد هیچ «مذاکره و تبادل نظر» نمایند..... به وکالت و نمایندگی از کی و در مورد چی؟

این فعالیت مسخره نمایشی که معلوم نیست بالای کدام آجندا و پلان حقوقی دولت افغانستان استوار است، موجبات انزجار و نا امیدی مردم افغانستان را سبب میگردد؛ مخصوصاً که سرزمین میزبان اینان کشوری است که با تعمیم بزرگترین جنایت بشری قرن، بر ملت شریف افغانستان تجاوز نظامی بیشرمانه و فجیعی نمود که بر علاوه قتل ملیون ها افغان بیگناه، تا امروز مملکت را در خون و آتش غرق کرد. خجالت هم خوب چیزی است که این بازی گران از آن عاری هستند.

در مورد امکانات صلح در افغانستان که درین مختصر نمیگنجد، باید همین قدر تصریح نمود که آنچه از این مذاکرات بیهوده در غیاب دولت افغانستان و پیشکش شرائط انتخابی پاکستان، متصور میگردد، روزه ای برای صلح و امنیتی که ارزش ها و دست آورد های ۱۷ سال اخیر را بر روی قانونیت احترام نماید، به نظر نمیخورد. یعنی راهی که جناب خلیل زاد با گروه آدم کشان حرفه ای پیش گرفته است، به ترکستان است!!

نوت: برای اثبات ازدیاد حملات و کشتار های طالبان در هر گوشه ای از افغانستان، اینک شماه ای از اخبار امروز در وبسایت ها:

۱-: مقام های امنیتی میدان وردک می گوید که در درگیری میان نظامیان افغان و جنگجویان طالبان در این ولایت، تلفات سنگین به دو طرف وارد شده است.

۲- مقام های محلی ولایت تخار از حملات طالبان بر ولسوالی خواجه غار این ولایت خبر داده اند

۳- خلیل زاد تر دی دمه اوه خلی د طالبانو له استازو سره لیدلی دی. تر اوسه دواړو خواوو له افغان حکومت سره د طالبانو مستقیمو خبرو او د روانی جگړې د ختمولو لپاره زمینه برابره کړې نه ده.

پایان